

در پاسخ به سوال آذر ماجدی که پرسیده بود: "من نمیدانم در کجا گفته ایم زنان حق طلاق دارند اما آن را توصیه نمی کنیم!" و خواسته بودند که منبع این نظر را معرفی کنم؛ باید عرض کنم که الان دقیقا خاطر نیست که در میز گرد این موضوع را به عنوان یک جمله ای که حزب کمونیست کارگری در جایی گفته است ذکر کردم و یا تحلیل خود از نظرات این گرایش در مورد مفهوم «حق» را بیان کرده ام. چنانچه گفته باشم حزب کمونیست کارگری در جایی گفته است که زنان حق طلاق دارند اما ما آن را توصیه نمی کنیم، اکنون با صراحت اعلام می کنم که این موضوع اشتباهی از سوی من است و ضمن پس گرفتن این ادعا، به خاطر اشتباهی که صورت گرفته نیز از آذر ماجدی عذر خواهی می کنم. اما در صورتی که متن اصلی میز گرد در رابطه با حق سقط جنین به مفهوم «حق» اشاره دارد، اعلام می کنم از نظر خود دفاع کرده و همچنان مدعی هستم که این حزب مطالباتی نظیر حق سقط جنین یا حق تعیین سرنوشت و یا حق طلاق را نه به عنوان حقی مستقل از توصیه های خود بلکه آنها را وابسته به توصیه خود می داند.

منصور حکمت در نوشته ای تحت عنوان « ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری»، انترناسیونال شماره 16، آذر 1373 می گوید: { «حق ملل در تعیین سرنوشت خویش» نه فقط یک اصل قابل تعمیم کمونیستی نیست، نه فقط لزوما آزادیخواهانه نیست، بلکه به معنی دقیق کلمه خرافی و غیر قابل فهم است }.

زمانی که کمونیست ها از حق بیان صحبت به میان می آورند، منظور حق بیان برای همه است (و نه صرفا برای طرفداران دمکراسی). وقتی که ما «حق سقط جنین» برای زنان را تبلیغ می کنیم، منظورمان دفاع از این حق برای کلیه زنان است، (حتا یک زن حزب الهی). وقتی که ما از حقوق مطبوعات صحبت می کنیم، منظورمان حق نگارش برای کلیه نویسندگان است (حتا نویسندگان بورژوا). زمانی که ما خواهان لغو حکم اعدام هستیم، این به مفهوم لغو حکم اعدام برای همه است (حتا آدم کشان). دفاع از حق دمکراتیک مشروط به این یا آن عامل اصولی یا غیر اصولی نمی تواند باشد. وگرنه استثناها می توانند خود به تدریج «اصل» را مورد سوال قرار دهند.

اما منصور حکمت اعلام می کند که این فرمول (منظور فرمول حق تعیین سرنوشت است) نه یک «حق» است و نه یک حق دمکراتیک، بلکه تنها یک تاکتیک اجباری و یا عقب نشینی است، زیرا که لنین این حق را به حق طلاق تشبیه کرده است، یعنی حقی که کمونیست ها آن را تبلیغ و توصیه نکرده، اما در صورت بروز از آن دفاع می کنند.

در اینجا است که نظر من نسبت به موضوع حق سقط جنین، دقیقا مانند حق طلاق و سایر حقوق دمکراتیک، نسبت به نقدی که به کمونیسم کارگری داشته ام دارای انسجام درونی می شود. در نتیجه اکنون می گویم که حزب کمونیسم کارگری به طور کنکرت در جایی نگفته است "طلاق حق زن است ولی ما آن را توصیه نمی کنیم"؛ اما با برداشتی که از نظر لنین در مورد حق تعیین سرنوشت داشته، و آن را در شباهت با حق طلاق که به عنوان حق معرفی گشته اما توصیه نمی شود، قرار می دهد، دچار یک انحراف سیستماتیک در مفهوم حق دمکراتیک می شود. دقیقا به همین دلیل است که سقط جنین یا همان قطع دوران بارداری را به عنوان حق دمکراتیک نمی شناسد اما به ناچار به آن تن می دهد. در صورت پذیرش این نظریات حزب کمونیسم کارگری، ملل مختلف دارای حق تعیین سرنوشت نخواهند بود اما شاید در مورد یک ملت مشخص (مثلا کرد) به عنوان تاکتیک در مقابل خواست آنها عقب نشینی کند. حال اگر با اتکا به این نظریات شاهد کتک خوردن زنی توسط شوهر خود باشیم، کاری که باید بکنیم این خواهد بود که برای آن زن از حق طلاق صحبت کنیم اما به او توصیه این کار را نکنیم. مقصود اصلی من از بیان موضوعی که رفیق آذر ماجدی برای آن رفرنس می خواست این بود.